**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و بیست و نهم\_ 21 آذر 1400**

**[ادامۀ کلام در امر هفتم]**

امر هفتمی که به عنوان یک اثر سو در عدم تدوین احادیث از آن نام بردیم، ورود اسرائیلات در بین احادیث بود، توسط کعب الاحبار و وهب بن منبه و غیر این افراد، از کسانی که سابقۀ یهود داشته و در بین خلفاء و خلفا نفوذ کردند و خلفا آنها را اهمیت دادند، مخصوصا خلیفۀ دومی از او مطالبی را می شنید و مردم هم مینشینند، مطالبی که هم درست در آن بود و هم نادرست، **نقلوا ما عنده من غث و سمین**

کعب الاحبار در عهد عمر و در مدینه اسلام آورده اند، در فتح قدس هم با عمر همراه بوده است، بعد از مرگ عمر به شام رفته است، معاویه او را جزء مستشاران خود قرار داده، چون بالاخره ادعای علم زیاد و محفوظاتی هم داشت و ان‌ها هم از چنین شخصی می خواستند به نفع خود استفاده کنند، می آمد در شهرهای شام شروع به داستان سرایی می‌کرد، لذا شد پیشتاز و پیش کسوت اخباریین و گزارش‌گران در موضوع احادیث یهود و اسلام.

**[کلام محمد ابوریة]**

محمود ابو ریة می گوید:

**و بواسطة کعب و ابن منبه و سواهما من الیهود الذین اسلموا تسریت الی الحدیث طائفة من اقاصیص التلمود -الاسرائیلیات- و ما لبثت هذه الروایات أن اصبحت جزئا من الاخبار الدینیة و التاریخیة[[1]](#footnote-1)**

آرام آرام چیزی نگذشت که این اخبار شد، این گزارش‌ها شد، جزء اخبار دینی و تاریخی

**[کلام ذهبی در تذکرة الحفاظ]**

ذهبی در تذکرة الحفاظ می گوید کعب الاحبار در زمان عمر به یمن رفت و صحابه و غیر صحابه و تابعین از او حدیث شنیدند ودر حمص سال 32، یا 33 و یا 38 از دنیا رفت.

**بعد ما ملأ الشام و غیرها من البلاد الاسلامیة الیهودیة بروایاته و قصصه المستمدة من الاخبار کما فعل تمیم الداری فی الاخبار النصرانیة**[[2]](#footnote-2)

این ها مثل تمیم الداری بودند که جعل‌هایی را در روایات نصرانی و گزارش‌های مسیحیت اضافه کردند، این‌ها آمدند دروغ و راست‌هایی را از یهود و سالام با همدیگر مخلوط کردند.

**[کلام رشید رضا در المنار]**

رشید رضا در تفسیر المنار می گوید:

**قد علم مما ذکره الحافظ**

از این نکته‌ایی که الان از حافظ ذهبی در تذکره الحفاظ ذکر کردیم واضح می شود:

**أن بطلی الاسرائیلیات**

دو قهرمان اسرائیلات

**و ینبوعی الخرافات،**

دو سرچشمۀ خرافات

**هما کعب الاحوار و وهب بن المنبه قد دسا فی هذه الامة خرافة تحدید عمر الدنیا[[3]](#footnote-3)**

این ها کسانی بودند که خرافاتی در بین این امت مثلا در این که عمر جهان چقدر است و قس علی هذا اضافه کردند.

**[نکته‌ایی از سید سیستانی در مورد روایات وهب بن منبه در کتب شیعه]**

آقای سیستانی ادامه می دهد:

**و کان علمائنا السابقون قدس الله اسرارهم لا یرون روایات کعب و الاسرائیلات**

جدا می کردند و این ها را نقل نمی کردند

**لکنّه صاحب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی الاشعری القمی قد اورد بعض الروایات التی رواها وهب بن منبه فی کتابه**

در کتاب نوادر الحکمة اش این آقا بعضی از روایات وهب را آورد

**و قد استثنی محمد بن الحسن بن الولید**

بزرگ قوم محمد بن حسن بن ولید، استاد شیخنا الصدوق، المتوفی سنة 343

**ما رواه محمد بن احمد بن یحیی الاشعری عن وهب المنبه**

گفت کتاب نوادر الحکمة خوب است، و مواردی را استثناء کرد که یکی از انها مواردی است که این آقا با سند از وهب بن منبه نقل کرده است

**و تبعه علی ذلک الشیخ الصدوق قدس سره، و ان نقل فی کتاب العلل** اگر چه همین صدوق با این که حرف استاد را پذیرفته در کتاب علل الشرایع برخی روایات را از وهب نقل می کند،

**ولا ندری سر نقله عنه،[[4]](#footnote-4)** چرا صدوق روایاتی را از وهب بن منبه نقل می کند، کسی که سرچشمۀ خرافات بین این امت است نباید از او حدیثی نقل شود.

این مطالب از حضرت آقای سیستانی ان شاء الله نکاتی که داریم بعدا عرض خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. اضواء علی السنة المحمدیة، ص 153 [↑](#footnote-ref-1)
2. همان، ص 147 و 148. [↑](#footnote-ref-2)
3. المنار، ج 9، ص 476. [↑](#footnote-ref-3)
4. ر.ک: تقریرات تدوین الاحادیث، ص 29 و 30. [↑](#footnote-ref-4)